

# دردسر زن آینه‌بین برای مالباخته

**دختر جوان که برای پیدا کردن سارق خانه‌اش به زن رمال مراجعه کرده بود با نشانی اشتباهی که به او دادند به دردسر بزرگی افتاد.**

مدتی قبل دختر جوانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت پول و طلاهایش خبر داد و گفت: همراه خانواده‌ام به مسافرت رفته بودیم و زمانی که برگشتیم، متوجه سرقت از خانه شدیم. تصور می‌کنم شخصی که سرقت‌ها را انجام داده آشنا باشد چون چند روز قبل از اینکه به مسافرت برویم جشن تولدم بود و دوست و فامیل را به خانه‌مان دعوت کردیم. در این میهمانی هدایای زیادی دریافت کردم و از طرفی من مقدار زیادی طلا و جواهر به خودم آویخته بودم میهمانان با دیدن هدیه‌های من خیلی تعجب کردند. فکر می‌کنم یکی از میهمان‌ها سارق خانه و اموال ما باشد.

با شکایت زن جوان، کارآگاهان پلیس وارد عمل شده و تحقیقات برای دستگیری سارقان آغاز شد. در نخستین گام، کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت پرداختند. دوربین‌ها نشان می‌داد دو سارق بالکن رو در غیاب صاحبخانه وارد خانه شاکی شده و نقشه سرقت را اجرا کرده‌اند.

## سارقان سابقه‌دار

گرچه سارقان چهره‌های خود را پوشانده بودند، اما در بازبینی دوربین‌ها تصاویر آنها تا حدودی به دست آمد. از سویی مأموران با این احتمال که سرقت‌ها توسط سارقان سابقه دار صورت گرفته است به سراغ آلبوم متهمان سابقه دار رفتند. در بازبینی تصاویر، کارآگاهان موفق شدند هویت یکی از سارقان را شناسایی کنند و در ادامه فردی به نام شهرام دستگیر شد.

شهرام در تحقیقات به سرقت از خانه شاکی و چند سرقت دیگر به شیوه بالکن روی اعتراف کرد. با اعتراف شهرام، همدست او نیز بازداشت شد و مقداری از وسایل سرقتی نیز از مخفیگاه متهمان نیز کشف شد.

## عذاب وجدان شاکی

حدود 20 روز از دستگیری سارقان خانه گذشته بود که دختر جوان بار دیگر به [پلیس](#) مراجعه و راز سرقت دیگری را برملا کرد و گفت: عذاب وجدان یک لحظه مرا رها نمی‌کند. نمی‌دانم چطور با این موضوع کنار بیایم. می‌دانم به خاطر کاری که کرده‌ام مجازات می‌شوم، اما تصمیم

گرفتم واقعیت را برملا کنم.

او ادامه داد: وقتی از خانه مان سرقت شد، یکی از اقوام به نام مهری مدام به من تلفن می‌کرد و می‌پرسید سارقان دستگیر شده‌اند یا خیر. من و مهری خیلی رابطه خوبی باهم نداشتیم و آن شب جشن تولد هم برای اینکه نشان بدهم من خیلی خوشبختم او را به میهمانی دعوت کردم.

## آینه بینی

زن جوان در ادامه گفت: با اینکه تردید داشتم اما احتمال می‌دادم سرقت از طرف مهری انجام شده باشد تا اینکه برای اطمینان به سراغ زن رمال و آینه بینی رفتم که سال گذشته هم برای بخت‌گشایی پیش او رفته بودم. از آنجا که او چندین طلسم به من داده بود و من چندین ماه بعد با میلاد نامزد کردم به او خیلی اعتماد داشتم و با خودم گفتم او می‌تواند سارق خانه را به من معرفی کند.

وقتی پیش زن آینه بینی رفتم او مدعی شد سارق زنی آشناست که حرف اول اسمش با میم شروع می‌شود، پوستی گندمگون دارد و به خاطر حسادت و انتقام‌گیری دست به سرقت زده است. مشخصاتی که زن رمال می‌داد با مشخصات مهری یکی بود و مطمئن شدم که او سرقت را انجام داده است. ابتدا می‌خواستم موضوع را به پلیس خبر دهم، اما به من گفتند بدون مدرک نمی‌توانی از کسی شکایت کنی. مدرک من اظهارات زن رمال بود که هیچ اعتباری برای پلیس نداشت. به همین دلیل تصمیم گرفتم تا خودم انتقام بگیرم. موضوع را به نامزدم گفتم و او قبول کرد که در این ماجرا همراه باشد. یک روز میلاد و دوستش در حالی که هر دو کلاه کاسکت به سر داشتند، اقدام به قاپیدن کیف مهری کردند و گوشی و مدارکش را سرقت کردند. می‌خواستم به‌صورت ناشناس با او تماس بگیرم و در ازای برگرداندن مدارک و گوشی تلفن همراهش او را وادار کنم که اموالی را که از خانه مان سرقت کرده، برگرداند. اما پس از این حادثه پلیس با من تماس گرفت و خبر دادند سارقان خانه را دستگیر کرده‌اند. وقتی پلیس گفت سارقان دستگیر شده‌اند باورم نمی‌شد تا اینکه وسایلی را که از من سرقت شده بود در خانه آنها پیدا کردند.

دختر جوان ادامه داد: بعد از آن عذاب وجدان به سراغم آمد. چندین بار خواستم وسایل مهری را به خانه‌اش ارسال کنم اما ترسیدم که لو بروم. در نهایت دل به دریا زدم و به پلیس آمدم تا واقعیت را بگویم، چرا که دیگر تحمل عذاب وجدان را ندارم. با اظهارات زن جوان، مهری نیز به پلیس مراجعه کرد و پس از دریافت

وسایله که به سرقت رفته بود، از شکایت خود صرفنظر کرد.

\*ایران/8026